

حال و هوای پایتخت در روزهای کودتا

تهران مخوف



رشتی را سرنگون کردند و با احمد شاه وارد مذاکره شدند. [۴] فقدان کنش معنادار نخست‌وزیر در برابر کودتا، نشان داد حضور وی در رأس دولتی که اقدام بزرگ نخستین اش عزل استاروسلسکی بود؛ بیشتر برای زمینه‌سازی این اقدام و فراهم‌سازی دوره گذار برای برکشیدن رضاخان میرپنج به جایگاهی بود که اردشیر جی، آبرونساید و... آن را طراحی کرده بودند.

یحیی دولت‌آبادی درباره علت این حد از وادادگی در برابر انگلستان چنین می‌گوید: «سپهدار بواسطه بذل و بخششی که داشته است نامش در شماره رجال درجه اول مملکت برده می‌شود اما از وقتی که املاک زیاد او در گیلان یغما شده است، این خصیصه او هم از کار افتاده و شاید همان نقصان دارایی به او جرأت داده است که در این وقت بار چنین مسئولیت بزرگی را به دوش خود بگیرد. رئیس تازه دولت مجبور است هر چه انگلیسیان بگویند اطاعت کند. چه هر کار محتاج است به پول و پول را بانک شاهی باید بدولت بدهد با اجازه سفارت انگلیس. [...] پول خود ایران که در بانک شاهی است، بانک مزبور بی‌اجازه سفارت نمی‌پردازد [...] در این وقت سید ضیاء الدین، مدیر رعد و رئیس کمیته زرکنده و واسطه است میان رئیس دولت و سفارت انگلیس، پس رئیس الوزرا باید از واسطه هم حرف شنوی داشته باشد و مقاصد او و همدستانش را بر آورد تا او هم به سفارتخانه انگلیس آمد و شد کرده، کارهای وی را آنجا انجام بدهد.» [۵]

کار بوده است. وقتی انگلیسی‌ها ابتدا نیت خود را مبنی بر خروج از ایران و رها کردن ایران به حال خودش اعلان کردند، با این کارشان بویژه برای ایرانیان، آینده‌ای به وضوح مخوف و هولناک و سرشار از هرج و مرج و ناامنی‌های سیاسی و اقتصادی که گریبانگیر ایران می‌شود، به نمایش گذاشتند؛ یعنی زمانی که بلشویک‌ها آمده‌اند و ایران را اشغال کرده‌اند و همه چیز را به دست گرفته‌اند. اما پس از این اعلان، وقتی هیچ اتفاق خاصی نیفتاد، ایرانی‌ها احتمال داده‌اند که اعلام خروج نیروهای انگلیس یک مانور و بازی بزرگ سیاسی بوده است؛ [بنابراین] حالا خیلی آرام نشسته و منتظر تحولات بعدی، بویژه اقدامات انگلستان و نیت واقعی اش هستند.» [۳]

گزارش نماینده آمریکا در ایران البته همراه با اقدامی عملی نبود. چه آنکه کودتا زمانی رخ داد که ویلسون در حال واگذاری قدرت به هاردینگ بود. برخلاف موضع‌گیری خصمانه آمریکا در برابر توافقنامه انگلیس-ایران، این کشور در مقابل کودتای ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ هیچ واکنشی نشان نداد.

گزارش‌های روز کودتا نشان می‌دهد هنگامی که در ساعت یک بامداد، دو هزار و پانصد تن قزاقی که تحت فرماندهی رضاخان بودند، از دروازه‌های قزوین و حضرت عبد العظیم (علیه السلام) به تهران وارد شدند، بدون هیچ درگیری خاصی شهر تهران را تصرف کردند و کنترل مراکز مهم و استراتژیک شهر و سازمان‌های دولتی را به دست گرفتند. بدین شکل آنها بدون هیچ مقاومتی دولت سپهدار

اول بهمن ۱۲۹۹، حدود یک‌ماه پیش از کودتا، وزیر مختار آمریکا، شرایط را چنین گزارش داده است: «وضع سیاسی آرام آرام رو به وخامت می‌رود. شاه که به شدت ترسیده، در پی رها کردن مملکت و فرار کردن است، اما به او اجازه چنین کاری داده نمی‌شود. دولت استعفا کرده است؛ اما هستند کسانی که درصدد برعهده گرفتن مسئولیت [تشکیل دولت] باشند.» او از اصرار انگلستان برای ترک ایران می‌گوید و اینکه «بزودی تمام نیروهای انگلیس از ایران خارج می‌شوند که در این صورت ناآرامی و شورش بر این کشور حکمفرما خواهد شد. مقدمات خروج فوری زنان، کودکان و تمام کسانی که حضورشان ضروری نیست، آماده شده است.» [۱] ۲۰ روز بعد، در گزارش بعدی می‌نویسد: «کابینه بار دیگر منحل شد... چون میلیون می‌خواهند تشکیل مجلس [چهارم] به تعویق بیفتد و مدعی هستند بسیاری از نمایندگان مجلس آلت دست قدرت‌های خارجی بوده و با تقلب به مجلس راه یافته‌اند. شاه خواستار بازگشایی فوری مجلس است اما تشکیل مجلس موقتاً به تعویق افتاده است. اوضاع عمومی آرام است و امریکایی‌ها در امان هستند و بسیاری از میسیونرها به غیر از میسیونرهای تبریز و مشهد، عجلتاً باقی مانده‌اند.» [۲] پیش‌زمینه ذهنی کالدول از کودتا چنین است: «همانطور که در گزارش فصلی شماره ۱۰، درباره اوضاع و احوالی که منجر به شرایط فعلی شد، بیان کردیم، دولت ایران در فصلی که گذشت در وضع بسیار وخیمی به سر می‌برد و اکنون نیز همان وضع ادامه دارد؛ البته تحولاتی هم در